

## مقام مطبوعات

### آقای رشید یاسمی

بزرگترین مربی جامعه مطبوعات اوست و از حیث آموزش و پرورش می‌توان مقام مطبوعات را بالاتر از آموزشگاه قرار داد زیرا که هم دایره تاثیرش وسیع‌تر، هم مواد تعلیم‌اش افزون‌تر، هم دریافتش آسان‌تر از تعلیم آموزشگاه است. سر و کار آموزشگاه با طبقه خاصی است که یا کودکان نارسیده‌اند یا جوانان نورسیده، و پیداست که این مستمعان جز اموری که سختی با مدارک محدود و استعداد مخصوصشان داشته باشد نمی‌پذیرند و به حکم کمی سن و تجربه نمی‌توانند همه حواس و وقت خود را مصروف آموختن کنند بعلاوه چون مواد برنامه بی رضای آنها تنظیم شده در نظر آنها تحمیل می‌آید و مکرها رویه آموزش می‌گذارند. بالعکس خوانندگان جراید و مجلات هم متنوع ترند هم به طیب خاطر به مطالعه می‌پردازند هم به اختیار خود مواد خواندنی را می‌گزینند هم به آن درجه از تجربه رسیده‌اند که تمام هوش و دقت خود را مصروف مطالبی که مطلوب آنهاست بنمایند. در واقع مطبوعات کشور خوانی است آراسته و از هر قسم ماکول در آن نهاده و بارعام در داده! وضع و شریف، کوچک و بزرگ بی دریغ و بی اکراه از این سفره گسترده بهره می‌گیرند.

از این رو می‌توان گفت که تاثیر مطبوعات بیش از آموزشگاه است و باین مقدمه حدس می‌توان زد که خوبی و بدی این قوه در کشور چقدر مؤثر می‌افتد و انعکاس تعالیم آن در پرورش فکری مردم تاجه پایه است. در داستانهای یونانی حکایت (ازوپ) معروف است که دانشمندی بود به غلامی افتاده روزی خواجه‌اش گفت به بازار رو و بهترین چیز را بخر وی رفت و زبان گوسفندی آورد روز دیگر خواجه محض آزمایش او را فرمود که امروز بدترین چیز را بخر (ازوپ) به بازار رفت و باز زبانی خرید و در جواب پرسش خواجه گفت هیچ

چیز در عالم بهتر از زبان و بدتر از آن نیست اگر به نیکی برگردد جهان را آباد و اگر به زشتی بجنبد عالمی را ویران کند زبان کلید دانشها، پیوند جمعیتها، آلت بروز حقیقت، مظهر عقل است تعالیم و مباحثات زبان است طاعت خدایان با زبان است.

اما از جانب دیگر زبان ما در همه مناقشات، دایه همه دعاوی سرچشمه اختلافات و جنگهاست خطاها و اشتباهات از این آلت سر می‌زند و دروغ و غیبت از آن بر می‌خیزد کفر و ارتداد و ناسپاسی همه از زبان بروز می‌کند این قصه در ادبیات غربی مثل شده و کاملاً موافق مقام مطبوعات است.

به وسیله جراید و مجلات می‌توان تحولی عظیم در فکر و ذوق مردم ایجاد کرد چه از حیث معلومات صحیح و چه از جهت صورت ادبی کلام که می‌توان اهل کشوری را صاحب ذوق سلیم و ادبیات مملکت را صاحب دایره وسیع‌تر نمود.

شاید از این حیث می‌توان روزنامه و مجله را از کتاب هم موثرتر دانست هم کیفاً و هم کمماً.

چه کتاب نیز مانند آموزشگاه محدود است. موضوعش معین، بهایش گران، مقدار انتشارش قلیل، عبارتش غلیظ و مسائالش بغرنج است. مقدمات علمی می‌خواهد و در دسترس همه کس قرار نتواند گرفت لکن روزنامه و مجله رغبت عالی و دانی را جلب کرده با عبارات ساده و بهای کم در هر خانه راه می‌یابد و در هر خاطرزی مقامی احراز می‌کند. پس امکان تربیت توده در مدرسه مطبوعات بیشتر از آموزشگاه و سریع‌تر از کتب است و به همین قیاس اثر بد مطبوعات هم در اهل کشور به سرعت ظاهر و منبسط می‌گردد خرابی زبان، فساد اخلاق، شیوع جهل و خرافات و امثال این‌ها از آثار جراید نامناسب است.

مطبوعات اعم از روزنامه یا مجله صرف نظر از مرتبه معلمی که دارند آینه سرا پا نمای جامعه نیز محسوب می‌شوند و این صفت اخیر مقام ممتازی به آن عطا می‌کند که هیچ چیز را نمی‌توان با آن سنجید اگر از حیث تعالیم، مدرسه یا کتاب با اولاف برابری می‌زند از جهت آینه بودن هیچ چیز شایستگی مقایسه با آن را ندارد.